

تحلیلی کوتاه در مورد اعتراضات سراسری دی ماه ۱۳۹۶

تظاهرات دی ماه ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷) ایران مجموعه‌ای از اعتراضات رهبری‌نشده مردمی و ضدحکومتی بود که از ۷ دی (۲۸ دسامبر) از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان با فراخوان "نه به گرانی" آغاز شد و در چند روز تبدیل به شورش سراسری در نریک به ۱۰۰ شهر ایران گردید و به گفته وزیر کشور، رحمانی فضلی، در ۴۲ شهر به درگیری انجامید. در جریان این اعتراضات نزدیک به ۵ هزار نفر بازداشت شدند، طبق آمار غیر رسمی ۲۰ شهروند جان باختند و حدود ۹۰۰ نیروی انتظامی مضروب و مجروح شدند (روزنامه ایران / شماره: ۶۷۳۸ - ۲۰ اسفند ۱۳۹۶). ۶۰ دفتر امام جمعه در سراسر کشور تخریب و به آتش کشیده شدند (خبرگزاری مهر / ۱۱ دی ۱۳۹۷)، و به استناد فیلم‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی، مردم، مراکز مذهبی (مانند امامزاده در قائم شهر) و ساختمان‌های دولتی (مانند دادگستری کرج) را به آتش کشیدند. و اینها تنها نمونه‌هایی است از آنچه در دی ماه ۹۶ اتفاق افتاد.

در مورد فراخوان شرکت در این تظاهرات و انگیزه‌های آشکار و پنهان آن نظرات بسیاری مطرح شده، ولی در اینکه آغاز آن تظاهرات با خواست‌های اقتصادی، علیه فساد گسترده دولتی، گرانی، بیکاری و در مجموع سیاست‌های دولت بوده شکی نیست. اما تنها در چند روز دامنه همگانی آن حرکت فراتر از مشکلات اقتصادی رفته و با شعارهایی مانند "سیدعلی حیا کن، مملکت رو رها کن"، "مرگ بر دیکتاتور" (از شعارهای دانشجویان دانشگاه تهران در روز ۹ دی ۱۳۹۶) تبدیل به مخالفت با نظام سیاسی ایران و به‌ویژه ولایت فقیه و مقام‌دار آن، علی خامنه‌ای شد.

اگرچه اعتراضات دی ماه ۹۶ ادامه روند تکاملی اعتراضات پیش از آن بود، اما مانند هر روند تکاملی دیگر که در نقطه زمانی با یک جهش تغییر ماهیت می‌دهد، اعتراضات دی ماه ۹۶ نیز یک جهش کیفی در ماهیت و مسیر مبارزات مردم در چهل سال اخیر نیز بود. این بار ناراضیان قدم در مسیر سرنگونی نظامی اصلاح‌ناپذیر گذاشته‌اند. آنچه مسلم است اینست که نظام ولایت فقیه ظرفیت و توانائی جلوگیری از رشد ناراضیان را ندارد و موجودیتش ناراضاساز است. این بدان معناست که در مسیر حاضر اعتراضات وسیع‌تر و خشن‌تر آینده را می‌توان انتظار داشت. بنابراین تحلیل ویژگی‌های اعتراضات دی ماه ۹۶ و آمادگی برای آنچه در پیش رو داریم اولویت پیدا می‌کند. اما، ویژگی‌های اعتراضات دی ماه چه بود؟

شرایطی نوین

سرمقاله روزنامه خراسان (شماره ۱۹۷۱۹ به تاریخ شنبه ۹ دی ۱۳۹۶) به قلم محمدسعید احدیان، بن‌بست جمهوری اسلامی را در سه مؤلفه خلاصه می‌کند: "احساس ناامیدی، تبعیض و بی‌پناهی" - و این سه مؤلفه را چنین توضیح می‌دهد: "... اول احساس ناامیدی از این که در ظاهر قرار نیست گشایشی در حل مسائل آن‌ها صورت بگیرد، دوم احساس تبعیضی که می‌گوید مشکلات موجود فقط مربوط به آن‌هاست و نه برای "از ما بهتران" و سوم احساس بی‌پناهی که می‌گوید ملجأ و پناه‌گاهی ندارند که حرف آن‌ها را "بفهمد و پیگیری" کند یا حداقل "بشنود و همدردی" کند ..."

در دی ماه ۹۶، مردم ایران، و بخصوص دو نسل بعد از انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷، نشان دادند که اکثریت مردم ایران در نزدیک به ۱۰۰ شهر که در ۴۲ شهر همراه با خشونت بود و ۵ هزار دستگیری، دیگر حاضر به قبول وضعیت

اقتصادی-سیاسی موجود نیستند. در مقابل، "نظام"، که به گفته‌ی فائزه هاشمی از محتوی فروپاشیده، نیز نشان داد که توانائی جواگونئی به خواست‌ها و یا سرکوب حرکتی به آن وسعت را ندارد. نتیجه‌ای که دوستان و دشمنان ایران از این دو واقعیت گریزناپذیر گرفته‌اند اینست که؛ آغاز پایان نظام "جمهوری اسلامی" فرا رسیده است. با دانش به چنین واقعیتی، این دو گروه که یکی آرزومند آزادی، دموکراسی و رفاه در ایران است و دیگری امید به اسارت کشیدن ایران را دارد، در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. اما واقعیت تلخ اینست که دشمنان ایران، به رهبری ایالات متحده آمریکا، آماده‌تر و منسجم‌ترند. آنان با برنامه، رهبری و پشتیبانی، چندین آلت‌رناتیو، از رودروئی مستقیم تا استفاده از ستون پنجم مانند سلطنت‌طلبان، فعالانه به طرف اهداف خود پیش می‌روند. در مقابل دشمن، گروه عظیم و پویای وطن-پرستان آزادی‌خواه، اما نامتشکل، بی‌برنامه و بی‌هدف ایستاده که قادر به استفاده از پتانسیل خود و مردم شریف و جان‌به‌لب رسیده نیست. "... این همان بستری است که اگر در جهت حل آن حرکتی ملموس آغاز نشود یا اگر با درک نشدن آن فراگیر شود باید نگران آینده، تکرار اتفاقاتی مشابه و با توجه به وجود دشمنانی قسم خورده شاهد ناامنی شدید و تبدیل شدن [ایران] به سوریه‌ای دیگر بود." (سرمقاله روزنامه خراسان، شماره ۱۹۷۱۹ به تاریخ شنبه ۹ دی ۱۳۹۶، به قلم محمدسعید احدیان)

دو نسل تازه نفس

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ توسط نسلی انجام گرفت که رویش یافته دوران نسبتاً طولانی اپوزیسیون مذهبی (و غیر مذهبی) بود. مذهب، برای نسل انقلاب یکی از ایدئولوژی‌های آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی بود. مراجع مطرح آن دوران، عموماً در میان مردم، با مردم و مثل مردم می‌زیستند. اعتماد مردم به علما و پشتیبانی مادی و معنوی از آنان عموماً به خاطر این بود که علما سهیم غم و شادی مردم بودند. خدا و کتاب خدا یار و یاور مظلومان و مذهب مرهمی بر درد دردکشیده بود. در خلاء هر گونه آزادی سیاسی، تجمع و تشکل، ایرانیان در پناه سپر نسبی دین و مذهب و مساجد و با استفاده از آنان انقلاب خود را به سرانجام رساندند.

- نسل اول پس از انقلاب، و یا نسل اول جمهوری اسلامی، با هرج و مرج، ناامنی، اعدام‌های دسته‌جمعی، جنگ و نابودی، شهادت و دفاع از وطن بزرگ شد. همگام با رشد نسل اول انقلاب، کودتای امام خمینی تکمیل شده، دیکتاتوری ولایت فقیه استوار گردید.
- مذهب و دین از ایدئولوژی انقلابی و رهائی‌بخش، به ایدئولوژی حکومتی تغییر یافت و حاکمان خود را دست‌نشانده و نماینده پروردگار بروی زمین اعلام کردند و به نام او دست به هر جنایت و تبهکاری زدند. نسل اول پس از انقلاب "تقیه" - زیست دو شخصیتی آشکار و پنهان - را آموخته و با آن بزرگ شد. با به عرصه آمدن سید محمد خاتمی، و اصلاح‌طلبان دیگر، دوران شکوفائی نسبی مدنی آغاز گردید و ما شاهد اشتیاق جوانان در پشتیبانی از اصلاح‌طلبی بودیم. سیل مردم برای رأی به خاتمی گواه این امر بود. مهمترین مشخصه این دوران آمادگی جامعه برای تغییر قدم به قدم شرایط و از طریق اصلاحات بود. هر حکومت معقول و آینده‌نگر با استفاده از آن شرایط می‌توانست موقعیت خود را نه تنها در درون، بلکه در بیرون از ایران نیز تحکیم کند، همانطور که در دوران ریاست جمهوری خاتمی چنین شد.
- نسل دوم پس از انقلاب، یا نسل تکنولوژی نوین، که نه ارتباطی با انقلاب بهمن ۵۷ و نه با جنگ داشته، هسته مرکزی اعتراضات دی‌ماه ۹۶ بود. این نسل با پایان دوران شکوفائی اصلاحات پا به میدان سیاست گذاشت. غلامعلی دهقان، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه، فعال سیاسی و استاد دانشگاه در این باره می‌گوید: "آنچه در دی ماه ۹۶ گذشت نشان دهنده این بود که جامعه ما دچار یک شکاف نسلی شده

است. بر اساس آمار مستندی که وزارت کشور ارائه داد بیش از ۷۰ درصد بازداشتی‌ها [۵ هزار نفر] متولد ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ بودند. می‌توان گفت: ۷۰ درصد شرکت‌کننده‌ها بین سنین ۱۶ تا ۲۶ سال بودند. این امر یعنی اینکه نسل دیگری وارد صحنه شده‌اند. (به نقل از آفتاب نیوز - تاریخ انتشار: ۲ دی ۱۳۹۷)

از ممیزهای این نسل گسترش ارتباطات است. دنیای مجازی و ارتباطات آزاد، این نسل را، لحظه‌ای و بدون صافی و مترجم، نه تنها به آنچه در مملکت خودشان می‌گذشت آشنا می‌کرد بلکه آنان را با دیگر جوانان در سرتاسر دنیا در ارتباط می‌گذاشت.

دو ممیز دیگر این نسل، اول ناامیدی از تغییر از درون حکومت که خودگویای ناامیدی و گذار از اصلاح طلبی بود. و دوم، فساد، نفاق و پوسیدگی نظام بود.

رودروئی مستقیم با تمامی دستگاه حاکم

گذشته از آنچه نوشته شده، دنیای مجازی مملو از فیلم‌های مستندی است که مردم تن به تن به جنگ حکومت و پاسداران و نیروی انتظامی آن رفته‌اند (شیراز برای نمونه). اما در نقاطی از ایران "... شدت خشونت ... و خصوصاً رفتارهای مسلحانه نشان از حس انتقام و تنفر ... داشته. ("ویژگی‌های اختصاصی اغتشاشات اخیر"، سرمقاله مدیرمسئول جوان آنلاین، به قلم دکتر عبدالله گنجی، ۱۲ دی ۱۳۹۶)

حمله به بانک‌ها و دیگر ادارات دولتی، بنگاه‌های خصوصی مالی، مساجد، امامزاده، و پس از آن ردّ حجاب و پوشش اجباری و غیره همه گویای این واقعیتند که رودروئی مردم با کلّ نظام و در رأس آن ولایت فقیه است. دیگر اینکه درخواست‌های مدنی و اقتصادی جدائی ناپذیرند. "... اگرچه ذهنیت حاکمیت و نخبگان به سمت مسائل معیشتی می‌رود اما به جز روز اول، مطالبه معیشت در هیچ شهری به گوش نمی‌رسد، به همین دلیل دولت نیز نمی‌تواند برای پاسخ به مطالبات جواب روشن و پایان‌دهنده‌ای ارائه کند. ("ویژگی‌های اختصاصی اغتشاشات اخیر"، سرمقاله مدیرمسئول جوان آنلاین، به قلم دکتر عبدالله گنجی، ۱۲ دی ۱۳۹۶)

مردم ایران با انتخاب سید محمد خاتمی اعلام کردند که تمایل‌شان به حل مسالمت‌آمیز بحران اقتصادی - سیاسی ایران است. اما با اخراج و انفعال اصلاح‌طلبان از یک طرف و فساد، گرانی و پوسیدگی فزاینده نظام از طرف دیگر، و با توجه به واقعیتی که ابوالفضل قدیانی اشاره کرده که: "به همان میزان که بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران به وخامت می‌گراید و مخالفت مردم با نظام استبداد دینی و در رأس آن آقای علی خامنه‌ای عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود، دستگاه‌های امنیتی استبداد که هراس دائمشان بیشتر شده است تنها چاره را در تشدید سرکوب می‌جویند ("ولی فقیه مفساد قدرت را در تار و پود جامعه گسترانده است"، سایت کلمه، چهارشنبه هفتم آذرماه ۹۷)، تنها راه خروج از بحرانی که مانند آتش هر از چندگاه بزییر خاکستر می‌رود و با کوچکترین بادی دوباره شعله‌ور می‌شود، تغییر نظام است. و متأسفانه، پس از آزمودن تمامی راه‌های مسالمت‌آمیز، شاید این بار نیز هموطنان صبور و شریف ما بالاجبار با استفاده از تنها راه باقی مانده - خشونت - شرایط موجود را تغییر خواهند داد.

خلاء رهبری

دو ویژگی مهم اعتراضات دی‌ماه ۹۶، "خلاء رهبری"، و "نداشتن مطالبات مشخص" از طرف معترضین را می‌توان نام برد. "اولین و مهم‌ترین ویژگی این است که اصلاح‌طلبان برخلاف ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ پشت آن نیستند، ... و بی‌سر بودن آن از این زاویه قابل تأمل است." "ویژگی دوم نداشتن مطالبه مشخص است ..." (سرمقاله مدیرمسئول جوان-آنلاین، به قلم دکتر عبدالله گنجی، ۱۲ دی ۱۳۹۶)

اهمیت فقدان رهبری اعتراضات دی ماه ۹۶ که به قول عبدالرضا رحمانی فضل‌لی، وزیر کشور، و بر اساس گزارشی که از سوی شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده و با استناد به گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی، عوامل نارضایتی‌ها را داخلی و بدون هیچ‌گونه دخالت از خارج کشور عنوان کرده، این است که فقدان رهبری مردمی اعتراضات اگر از طرف آزادی‌خواهان جبران نشود، به دست دشمنان ایران و هم‌دستان بومی‌شان جبران خواهد شد. جای تعجب نیست که آمریکا، عجولانه، رضا پهلوی و همراهانش را آلترناتیو و رهبر اعتراضات و به عنوان یکی از شیوه‌های عملی اجرای برنامه سیاسی خود در پیش گذاشته است.

آینده‌ای نامعلوم

حوادث آینده ایران که در چندین بُعد و هر بُعد با متغیران فراوانی در حال حرکت‌اند به سادگی قابل پیش‌بینی نیست. اما، آنچه مسلم است این است که با انتخاب سیاست‌های صحیح امروز می‌توان در مسیر آینده تأثیرگذار بود. اما روز به روز از تعداد سیاست‌های قابل انتخاب عملی کم‌تر می‌شود. سیاست‌هایی که هنوز در دسترس هستند:

- برای حاکمان جمهوری اسلامی تنها یک راه باقی مانده: **جلوگیری از رشد نارضایان**، که با چند سیاست صحیح قابل اجراست - شامل: حذف ولایت فقیه از قانون اساسی و بازگرداندن تمامی حقوق به منتخبین و نمایندگان واقعی مردم، تغییر قانون مطبوعات و رفع نظارت و محدودیت‌ها برای نشریات چاپی و مجازی، رفع تمامی فیلتر اینترنت، پایان فرستادن پارازیت بروی کانال‌های ماهواره‌ای، اعلام انتخابات آزاد تحت نظر ناظران سازمان ملل، آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، رفع کامل تبعیض که اولین قدم آن حذف مذهب رسمی از قانون اساسی است. سران جمهوری اسلامی بیاد دارند که آن روزی که محمدرضاشاه گفت: "صدای شما را شنیدم." دیگر دیر شده بود و تنها راه باقی مانده سرنگونی رژیم بود.
- برای آزادی‌خواهان؛ تشکّل بدور شعار محوری به شرح ذیل:
استقرار یک نظام جمهوری سکولار دموکراتیک بجای نظام "جمهوری اسلامی" در ایران.

گروه پیام‌رهائی

www.payamrahaee.net

editor@payamrahaee.net